

چکیده

مدیریت اسلامی از مدیریت امامان آغاز می شود و مردم هر زمان خلق و خویی شبیه به مدیر خود می گیرند. فرمان مدیر اسلامی برخاسته از حق است و با اطاعت از فرمان الهی، جامعه ی تحت کنترل خود را به پیش می برد و همواره به هوای نفس پاسخ منفی می دهد. برای آینده ی جامعه ی خود برنامه ای سامان یافته دارد. نزدیکان خود را از کسانی انتخاب می کند پرونده ای سیاه ندارند و افراد مورد اطمینان را برای مشورت برمیگزیند. نسبت به مردم تواضع به خرج می دهد و خود را هم طبقه ی افراد ضعیف جامعه می داند و در برابر درشت گویی های آنان صبور است. در بیت المال خیانت نمی کند، اگر عهد و پیمانی به مردم می دهد به آن وفادار است و سنت های نیکی را که به واسطه نظام های پیشین باقی مانده حفظ می کند؛ در این صورت، جامعه ای والا که هدف یک مدیر اسلامی است به خوبی اداره خواهد شد. روش تحقیق مقاله کتابخانه ای و توصیفی_تحلیلی می باشد.

کلید واژه: مدیر، اسلام، صبر، وفاداری، امانت داری

طلبه پایه اول، سطح دو، حوزه امام خمینی¹

مدیریت اسلامی ، مدیریتی است مورد رضای الهی که همه جوانب را برای داشتن جامعه ای سالم در بر میگیرد و چنان با اهمیت است که بخش قابل توجهی از کتاب نهج البلاغه را شامل می شود. مدیر علاوه بر تمام ویژگی های و توانایی هایی که دارد ؛ مهمترین آنها یعنی داشتن اخلاق را باید سرلوحه ی کار خود قرار دهد. به میزانی که مدیر از ویژگی های اخلاقی برخوردار باشد به همان میزان ، جامعه به جامعه ای الهی نزدیکتر می شود . از این رو ضروری دانستم که بیشتر از هر چیز به اخلاق یک مدیر اسلامی بپردازم تا شاید اندکی تغییردرشیوه مدیریت های امروز حاصل شود .

سؤالی که در اینجا مطرح می شوداین است که مدیریت اسلامی چیست ؟ و به چه کسی مدیر اسلامی گفته می شود و ویژگی های اخلاقی یک مدیر اسلامی چگونه است ؟

طبق متن ، مقاله در دو فصل و هرکدام با چند زیر فصل و با روش کتابخانه ای و توصیفی_تحلیلی فراهم آمده است.

مدیریت اسلامی

مدیران باید در برابر موج های شکننده ی اجتماعی، عقل و اندیشه ای به ژرفای اقیانوس ها ، زبانی به گویایی شمشیر و دلی به گستردگی دشت ها داشته باشند¹.

تعریف مدیر:

کسی که اداره سازمان یا گروهی را برعهده میگیرد و با استفاده از امکانات موجود ، آن گروه یا سازمان را به اهداف مورد نظر خود سوق می دهد.

2. تعریف مدیر اسلامی :

مدیر اسلامی یعنی کسی که با به کار گیری از منابع انسانی، مادی و آموزه های اسلامی برای رسیدن به اهداف متأثر از نظام ارزشی اسلام ، گروه یا سازمانی را رهبری می کند².

در مدیریت اسلامی ، نگرش الهی وجود دارد ؛ به انسان با این دید نگریسته می شود که اولایق کرامت انسانی بوده و مستعد رسیدن به مقام قرب الهی و جانشینی خداست .

3. پینش اسلام پیرامون مدیریت :

هر گروهی ، برای رسیدن به هدف مورد نظر خود و جلوگیری از هر گونه بی انضباطی به یک مسئول نیازمند است تا گروه را به نحو احسن مدیریت کند. جامعه نیز باید یک مدیر و مسئول داشته باشد. مدیریت در جوامع

1.نگرشی بر مدیریت اسلامی ، ص 12.

2. مدیریت در اسلام ، ص 11.

تشیع از مدیریت امامان آغاز می شود که امام مدیریت خود را در قالب امامت به پیش می برد تا استعداد و ذخایر نهفته در وجود انسان را کشف و از بردگی بنده رها و به سمت خالق مهربان هدایت کند.^۱

مردم یک جامعه، اخلاق و رفتاری شبیه به مدیر جامعه ی خود می گیرند و اگر مدیر، با همت باشد و برای آبادانی جامعه اش تلاش کند مردم زمان هم همانند مدیر خود، مردمانی سخت کوش و باهمت می شوند و بالعکس. پس این مدیر است که راه شقاوت یا سعادت عامه ی مردم را فراهم می کند.^۲

هرگاه اصول و شیوه های مدیریت به شخصیت و حیثیت انسانی انسان لطمه وارد آورد؛ آن مدیر و مدیریت، اسلامی نیست. زیرا قانون حفظ منزلت انسان، حاکم بر روش ها و اصول مدیریت می باشد.^۳

فرمان ها و دستورات مدیر زمانی تأثیر خود را خواهند گذاشت که برخاسته از حق باشند.^۳ امام علی - علیه السلام - میفرماید:

(ای مردم! مرا بر شما حقی است و شما بر من حقی. حق شما بر من این است که از خیرخواهی شما دریغ نورزم و حق شما را از بیت المال پردازم و شما را آموزش دهم تا نادان نمانید و تربیت کنم تا چگونه زیستن را بدانید و اما حق من بر شما این است که به بیعت با من وفادار بمانید و در حضور و غیاب، خیرخواه من باشید و چون شما را برای حضور در صحنه فراخواندم اجابت کنید و آن گاه که فرمان دهم اطاعت نمائید. در این صورت حق در میان چنین جامعه ای عزیز می گردد و راه های عمل به احکام دین هموار و نشانه های عدالت برقرار می شود)^۴.

1. نگرشی بر مدیریت اسلامی، ص 53 تا ص 66، خلاصه.

نگرشی بر مدیریت اسلامی، ص 71 تا 75، خلاصه. 2.

همان، ص 783.

4. همان، ص 95، برداشت.

اخلاق مدیر

اخلاق برای مدیر به منزله ی مشاوره ی آگاه و معاونی آشناست که مشکلات را حل می کند. مدیری که به اخلاق مدیریت آراسته نباشد، قادر به کشیدن بار مسئولیت نخواهد بود. مدیر با استفاده از روشهای آمیخته به اخلاق انسانی می تواند بسیاری از نابسامانی ها را سامان بخشد و به مجموعه ی تشکیلات روحیه ای از صفا و محبت بدمد¹.

هرچند مدیران، باید خصوصیات چنان قاطعیت، تخصص، قدرت و ... را داشته باشند اما اگر اخلاق نداشته باشند آن موفقیت مطلوب را به دست نخواهند آورد، در نتیجه با ناکامی رو به رو خواهند شد. از ویژگی های اخلاقی مدیر اسلامی می توان به نمونه های زیر اشاره کرد.

1. پیروی از فرمان الهی :

مدیران باید برای رسیدن به اهداف مورد نظر خود از قانونی تبعیت کنند که ثمر دهنده، اطمینان بخش، جامع تر و واقع بینانه تر است و این قانون همان قانون الهی است که برخاسته از قرآن و سنت معصومین -علیهم السلام- می باشد. بنابراین کسی شایسته این مقام است که بر اجرای این قوانین توانا باشد و فرمان خداوند را در فهم مسائل بهتر درک کند.

از سفارش های امام علی -علیه السلام- به کارگزاران؛ خواندن به موقع نماز است که آن را نه برای راحتی خود پیش از وقت بخوانند و نه با سرگرم شدن به مسائل این جهان خواندن آن را به عقب بیاندازند، زیرا همه ی کارهایی که انجام می دهند به تبع نمازی است که بر پا می دارند.

1. نگرشی بر مدیریت اسلامی، ص 243

(هنگامی که دچار غرور و تکبر شدی به عظمت ملک خداوند و قدرت بی پایان او بنگر تا سرکشی را از تو دور سازد ، تواضع را به تو برگرداند و عقل را به جایگاه اصلی اش را ببرد.)

مدیر اسلامی به اخلاق و رفتار متواضعانه با دید عبادت می نگرد که این تواضع ، نمایانگر عقل و اندیشه ی مدیر است^۱.

6. عیب پوشی :

مردم عیب هایی دارند که شایسته ترین فرد برای پوشاندن آن عیوب ، حاکم و مدیر جامعه است .مدیر نباید در صدد کشف عیوب پنهانی مردم باشد ؛ بلکه تنها وظیفه دارد آن چیزی را آشکار گشته اصلاح کند^۲.

* در صورتی که مدیر بخواهد همه ی همکاران خود را نسبت به عیبی هشدار دهد ، باید بدون نام کسی و موضوع را به صورت کلی بیان کند .

* زبان کنایه به مراتب تأثیرش از زبان تصریح بیشتر است و مدیر با لطافت کنایه بهتر می تواند

افراد را به عیوب خود متوجه سازد .

* اگر ضرورت ایجاب نمود که عیوب شخص صریحا به او گفته شود ، باید آن نارسایی ها به طور خصوصی به او گوشزد شود .

* در بعضی از موارد مدیر باید به هنگام بیان نقص ها و تطهیر عیوب ، خوبی ها و محاسن شخص را هم بگوید

* در برطرف نمودن عیوب کار بد را باید مورد انتقاد قرار دهد نه شخص را^۳.

1. نگرشی بر مدیریت اسلامی، صص 270 و 271، خلاصه . نهج البلاغه ، صص 481، 703، 707، 721، 743.

2. نهج البلاغه ، ص 723

3. نگرشی بر مدیریت اسلامی ، صص 247 و 248 ، خلاصه.

7. امانت داری :

امام علی علیه السلام - در نامه ی 20 خطاب به ابن عباس ، حاکم بصره ، می نویسد :

(به خدا سوگند اگر مرا اطلاع رسد که تو در فیء مسلمانان کم یا زیاد ، خیانتی روا داشته ای چنان تند با تو برخورد میکنم که کم مایه مانمی و هزینه ی عیال بر دوشت سنگینی کند و خوار شوی)¹.

امام در نامه ی 5 خطاب به اشعث بن قیس ، عامل خود در آذربایجان ، نوشته است :

(حوزه ی فرمانروایی ، طعمه ی تو نیست بلکه امانتی است بر گردن تو و از تو خواسته اند که فرمانبردار کسی باشی که فراتر از توست . در دستان تو مالی است از اموال خداوند عزوجل و تو خزانه دار هستی تا آن را به من تسلیم کنی)².

کسی که کار امانت را جدی نپندارد و در آن خیانت نماید در این جهان، در ذلت و بی آبرویی را بر خویش باز می بیند و در آخرت ذلیل تر و بی آبروتر رو می کند. بزرگترین خیانت ها ، خیانتی است که به مسلمانان شود و زشت ترین حيله سازی ها ، رو راست نبودن با امام مسلمانان است³.

8- وفاداری به عهد و پیمان :

عامل مؤثری که در حوزه ی مدیریت می تواند در به وجود آوردن اعتماد و آرامش ، نقش قابل توجهی داشته باشد وفای به عهد و تعهد در برابر پیمان هاست .

1. نهج البلاغه ، ص 729 .

نهج البلاغه ، ص 6092.

3. نهج البلاغه ، ص 641

هیچ عاملی در شکستن شخصیت مدیر همانند بی توجهی به وعده ها و زیر پا گذاشتن پیمان ها نیست . آفت زیان بار پیمان شکنی نه تنها حیثیت و حرمت مدیریت را می شکند بلکه به عنوان اخلاقی زشت ، محیط کار را آلوده و پایه های سازمان را متزلزل می کند^۱.

هرگاه مدیر بین خود و دشمنش پیمانی برقرار ساخت و لباس امان بر آن پوشاند ، به پیمان خود وفادار باشد ، تعهدش را به نیکی رعایت کند و خویش را در نگرهبانی از پیمان سپر قرار دهد ؛ زیرا هیچ امری از واجبات الهی در جامعه ی بشری با همه ی خواسته های گوناگون و پراکندگی اندیشه ها مهمتر از وفاداری نسبت به پیمان ها نیست و حتی مشرکان هم پیش از مسلمانان وفای به عهد را بر خود لازم می دانستند^۲.

9. حفظ سنت ها :

مدیر باید سنت نیکی را که بزرگان این امت با عمل خود امضا نموده اند و موجبات الفت را در میان مردم فراهم ساخته و مردم بر محور آن به سعادت رسیده اند را به خاطر حفظ حرمت افکار ملی و عقاید عمومی گرامی بدارد تا بخش قابل توجهی از وظیفه ی خویش را نسبت به مردم انجام داده باشد و مبدا سستی نوین را رواج دهد که به سنت های نیک گذشته زیان وارد کند ؛ پس پاداش عمل به سنت های نیک برای بنیان گذارش می باشد و گناه شکست آن سنت ها بر مدیری است که آن را می شکند ، بر این اساس کار کشور به سامان می آید و نظام های نیکویی که مردم برپا داشته اند برقرار می ماند^۳.

نگرشی بر مدیریت اسلامی ، ص 2774.

نهج البلاغه ، ص 747 1.

2. نگرشی بر مدیریت اسلامی ، ص 281 . نهج البلاغه ، ص 727

نتیجه گیری :

از مطالب گفته شده این نتیجه حاصل می شود که مدیریت یک نوع امامت است و صاحب منصبان از دید وظیفه و تکلیف بایستی به آن نگاه کنند تا آن را به درستی و به دور از هر گونه خیانتی انجام دهند . مدیریت یک نوع خدمت به خلق خداوند است نه حکومتی که در آن ظلم و بی عدالتی به چشم بخورد .

مدیر آراسته به اخلاق مدیریت می تواند فضایی تشکیل دهد که در آن مردم به بصیرت کافی برسند و جامعه را به سمت پیشرفت و ترقی از جهت های گوناگون سیاسی ، فرهنگی ، اجتماعی و ایمان و تقوا برسانند . در این صورت است که هدایت مورد رضای الهی حاصل می شود و جامعه ای آماده تحویل امام غایب - حضرت مهدی - (عج) داده خواهد شد .

منابع :

1. پیروز ، علی آقا و دیگران (1384) ، مدیریت در اسلام ، قم : پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
2. تقوی ، دامغانی ، سید رضا (1386) ، نگرشی بر مدیریت اسلامی (چاپ سوم) ، تهران : نشرنخیل
3. رضی ، نهج البلاغه